جستار

آیا تهران بزرگ‌ترین بازنده تحولات افغانستان خواهد بود؟

پیر محمد ملازهی
تحلیلگر ارشد مسائل افغانستان

چه بپذیریم و چه نپذیریم ایران در قبال تحولات افغانستان به خصوص حمایت از طالبان دچار خطای محاسباتی، آن هم از جنس راهبردی شده است؛ گاهی امکان دارد نگاه راهبردی و استراتژیک ایران در قبال یک موضوع و تحولات یک کشور درست باشد، اما دچار خطای محاسباتی تاکتیکی شود، چنانی که در عراق، سوریه و... رخ داد. اما به واقع ایران در قبال تحولات افغانستان، احیای طالبان و مقاومت درّه پنجشیر دچار اشتباه محاسباتی راهبردی شده است. چون نیروهای افغانی که به شکل سنتی با ایران همراه هستند و اقوام هزاره و تاجیک‌ها در راس آن قرار دارند و همه آنها نهایتا در حوزه تمدنی ایران جای قومه‌گانه، اکنون کنار گذاشته شده‌اند. یعنی در صحنه عمل ما شاهد آن هستیم که ایران تاجیک‌ها، هزاره‌ها و فارسی زبان‌ها را رها کرده است و به طالبانی چسبیده است که قطعاً دل خوشی از جمهوری اسلامی ایران نداشته و ندارد. لذا اگر ایران طی دو سه هفته اخیر حمایت جدی از مقاومت درّه پنجشیر داشت و سکوت خود را در حمایت از احمد مسعود می‌شکست منافع و اهدافی را در بلند مدت برای خود در افغانستان ایجاد می‌کرد، هر چند که شاید در کوتاه مدت این حمایت از احمد مسعود و جریان مقاومت پنجشیر در ظاهر سود و منفعتی برای ایران نداشته باشد، اما بی‌شک در بلند مدت می‌تواند دایره نفوذ ایران را میان اقوام و مذاهب غیر پشتون افغانی افزایش دهد. پاکستان و عربستان سعودی هم که اکنون به حمایت همه جانبه‌ای از طالبان در درّه پنجشیر دارند در آینده بازنده خواهند بود. چون در سایه نکاتی که اشاره کردم اگر طالبان، داعش افغانستان، شبکه حقانی و القاعده به این یقین برسند که می‌توانند به توازن امنیتی و نظامی در برابر این کشورها دست پیدا کنند به قدرت سرلج آنها خواهند رفت. دیگر قرقی نمی‌کند این کشور جمهوری اسلامی ایران باشد، پاکستان باشد، قطر باشد، امارات باشد، عربستان باشد یا چین، روسیه، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و...؛ بنابر این اگر ایران به دنبال منافع بلندمدت در افغانستان است باید خط حمایت کنونی خود را از طالبان اصلاح کند. البته این گفته به معنای آن نیست که حمایت همه جانبه نظامی از جریان مقاومت در درّه پنجشیر داشته باشد و به مقاومت و تقابل عملیاتی با طالبان برخیزد. به هر حال طالبان هم جزو واقعیت‌های انکارناپذیری افغانستان است، اما باید به اندازه و سهم طالبان برای آنها جایگاه قائل شد. به دلیل سایه سنگین آمریکاستیزی که در مبانی سیاست خارجی ایران قرار دارد تهران هر گروه، هر جریان، هر فردی و هر کشوری را که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به هر نحوی و با هر اندیشه‌ای که بخواهد در برابر آمریکا قد علم کند مورد حمایت خود قرار می‌دهد. لذا به دلیل این سایه دیگر برای تهران قرقی نمی‌کند که این کشور یک کشور مانند کره شمالی و خاندان کیم باشد یا ونزوئلا در آمریکای لاتین باشد یا یمن و سوریه در خاورمیانه باشد یا چین و روسیه باشد یا طالبان در افغانستان باشد یا... یعنی قرقی نمی‌کند که این افراد از چه جریان‌های سیاسی، از چه کشورهایی با چه بینش و مشی دیپلماتیک و با چه ایدئولوژی، دین و مذهبی در برابر آمریکا ایستاده اند، برای ایران مهم آن است که با حمایت از این کشورها، جریان‌ها و افراد به اصطلاح در برابر آمریکا قد علم کند تا سیاست مبارزه با امپریالیسم و استعمار را پیش ببرد. طالبان در آینده قدرت را هیچ گروه و جریانی تقسیم نمی‌کند و به دنبال نگاه تمامیت خواهانه است. از این منظر نگاه ایران به تحولات افغانستان و به خصوص حمایت از طالبان دارای دوشاخه جدی است؛ اول اینکه این نگاه مبتنی بر واقعیات نیست و به همین دلیل دارای یک خوانش کوتاه مدت، مقطعی سطحی از طالبان و تحولات افغانستان است. نکته دوم این است که در داخل کشور یک هماهنگی، اتحاد و انسجام در برابر تحولات افغانستان و طالبان وجود ندارد. مطمئن باشید در آینده که حکومت طالبانی قدرت را به طور یکجا در اختیار خواهد گرفت و بستر را برای گروه‌های رادیکال از داعش افغانستان تا شبکه حقانی، القاعده و گروه‌های ضدایرانی مهیا خواهد کرد، نیم نگاه جدی به ایران دارد و از ظرفیت این افراد و گروه‌های ایرانی برای ضربه زدن به امنیت ما استفاده خواهند کرد. مودبانه این نکته به عملکرد میدانی خود طالبان بازمی‌گردد. اگر دقت کرده باشید اکنون نیروهای طالبان که در مرز افغانستان با دیگر کشورها قرار گرفته‌اند از افراد بومی آن منطقه هستند. یعنی در مرز تاجیکستان از نیروهای تاجیک طالبان استفاده شده است، در مرز پاکستان همین طور، در مرز ازبکستان به همین ترتیب و در مرز ایران هم از نیروهای معترض ایرانی استفاده کرده‌اند. چون اکنون حکومت طالبانی در افغانستان می‌تواند اهرم بسیار مناسبی برای امنیتی کردن منطقه به خصوص رقبای آمریکا از چین و ایران گرفته تا روسیه و... از این منظر خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان تاریخ جدیدی را در صحنه تحولات منطقه رقم زده است. به این معنا که خروج آمریکا از افغانستان پایانی بر نفوذ این کشور در عراق و سوریه نیست، بلکه کاخ سفید سعی می‌کند از طریق همکاری و همراهی پنهان از طالبان و در ادامه حتی از القاعده و داعش افغانستان (بدون به رسمیت شناختن این جریان) یک موازنه امنیتی را در برابر ایران، چین و روسیه داشته باشد. لذا جریان مقاومت پنجشیر اکنون مراحمت جدی برای راهبرد مذکور آمریکا و اروپاست. در نتیجه ما شاهد سکوت ایالات متحده و اروپا در برابر مقاومت پنجشیر، تجاوز ارتش پاکستان و حملات طالبان به این دره هستیم. مصافا فراموش نکنیم که برای خود طالبان هم تفاوتی نمی‌کند که به اصطلاح از کنار غرب برای نابودی کفر شرق استفاده کند.

نوشتار

جنگ راه حل نیست

ادامه از صفحه یک / دخالت ابرقدرت ها به بهانه مبارزه با تروریسم و القاعده، و نجات مردم افغانستان، حاصلی جز رنج و درد و بی خانمانی با خود به همراه نداشت و تنها هدف اشغالگران، تامین منافع ملی و بالاتس قدرت با رقبا در منطقه و جهان بود. به همین دلیل، امریکا در حساس ترین شرایط، و در قالب توافقی عجیب با طالبان، نیروهای نظامی، مستشاری و غیرنظامی خود را در عرض یک هفته از افغانستان خارج کرده و این کشور را با دولتی بادکنی و طالبانی اماده شده، تنها گذاشت. با توجه به مختصات سرزمینی، ژئوپولتیک، و تنوع قومی و مذهبی، و موقعیت ویژه سرزمینی و جغرافیایی، تشکیل دولت، و ایجاد امنیت و حرکت به سمت توسعه در افغانستان، تنها در گرو تشکیل یک دولت ملی و فراقومی، فرامذهبی است. نادیده گرفتن اقوام، و حذف گروه‌های قومی و مذهبی، تکثرزدایی و یک‌دست کردن حکومت، هر دولت مستقری در افغانستان را با چالش جنگ و درگیری و خونریزی رو به رو خواهد ساخت، و به سقوط هر دولت انحصارگرا و قومی، خواهند انجامید. تجربه بیش از چهار دهه جنگ در افغانستان، مویدِ این نظر است.

عکس: آرمان ملی/ فاطمه فتاحی

دکتر حسین راغفر در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مافیا خود را به سطوح بالای حاکمیت رسانده است

- دولت رئیسی برای مقابله با فساد، باید اختیارات ویژه بگیرد
- شرایط بحرانی است؛ جلوی بسیاری از واردات کالاها را باید گرفت
- موانع اصلی تحقق وعده‌های رئیسی مافیای قدرت و ثروت هستند
- با دور تسلسل افزایش قیمت‌ها مواجه هستیم
- مذاکرات ایران و آمریکا به نتیجه زودهنگام منجر نخواهد شد
- برنامه تیم اقتصادی دولت بیشتر شبیه آرزو است
- بی‌ثباتی‌های اقتصادی به بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود
- اراده رئیسی برای مبارزه با فساد به تنهایی کافی نیست

آرمان ملی- احسان انصاری: سیدابراهیم رئیسی با شعار اینکه شرایط زندگی مردم تغییر خواهد کرد دوران ریاست جمهوری خود را آغاز کرد. این در حالی است که در شرایط کنونی مهم ترین مطالبه مردم از دولت بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی است. از سوی دیگر رئیسی به مردم وعده داده که هر سال یک میلیون مسکن خواهد ساخت. با این شعارهایی رئیسی اعضای تیم اقتصادی خود را انتخاب کرده که برخی از آنها در دولت احمدی نژاد نیز حضور داشتند. در شرایط کنونی این پرسش برای افکار عمومی وجود دارد که استراتژی تیم اقتصادی رئیسی چیست و دولت سیزدهم با چه نقشه راهی قرار است در شرایط اقتصادی مردم تغییر ایجاد کند؟ آیا دولت استراتژی در این زمینه تدوین کرده است؟ آن چیزی که مشخص است برنامه‌هایی بوده که وزرای اقتصادی دولت در جلسات رأی اعتماد در مجلس ارائه کردند که به صورت هماهنگ نبوده و هنوز مشخص نیست آیا دولت دارای یک برنامه جامع اقتصادی برای تغییر شرایط است و یا خیر. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با دکتر حسین راغفر اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. دکتر راغفر معتقد است: «مافیاهای قدرت و ثروت که در کشور وجود دارند یکی از موانع اصلی تحقق وعده‌های اقتصادی دولت هستند. این در حالی است که این مافیای قدرت و ثروت یکی از دلایل اصلی بحران‌های اقتصادی موجود نیز هستند. مقابله با مافیای قدرت و ثروت نیز نیازمند یک عزم جدی است که تنها مختص به قوه مجریه نیست و سایر نهادهای حاکمیتی از جمله قوه قضائیه و قوه مقننه باید در این زمینه فعالیت کنند. این در حالی است که نشانه‌هایی در این زمینه مشاهده نمی‌شود و تنها شعار داده می‌شود». در ادامه ما حصل این گفت و گو را می‌خوانید.

وجود از انتخاب اعضای تیم اقتصادی و سیاست خارجی دولت می‌توان گمانه‌زنی‌هایی را مطرح کرد. این نوع چینش تیم اقتصادی و سیاست خارجی خواهد بود؟ آیا اصلاً استراتژی در این زمینه وجود دارد؟

آقای رئیسی از تغییر در شرایط زندگی مردم سخن می‌گویند. این در حالی است که در شرایط کنونی مطالبات اصلی مردم از دولت سیزدهم اقتصادی و معیشتی است. تغییر شرایط زندگی اقتصادی مردم از چه راهی امکان پذیر است و دولت باید از چه استراتژی استفاده کند؟

بخش قابل توجهی از وعده‌های اقتصادی که رئیس جمهور داده‌اند قابل تحقق است با این وجود تحقق وعده‌ها نیازمند برنامه روشن است که متأسفانه این برنامه وجود ندارد. این در حالی است که کارشکنی‌های گسترده‌ای علیه دولت صورت می‌گیرد تا وعده‌های آقای رئیسی محقق نشود. به عنوان مثال حدود پانزده نفر در دوران برزخی اختلاف دولت، کل سیمان کشور را خریداری می‌کنند و قیمت سیمان را به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش می‌دهند. این در حالی است که رئیس جمهور وعده ساختن یک میلیون مسکن در سال داده است. در نتیجه افزایش قیمت سیمان به معنای افزایش قیمت مصالح ساختمانی خواهد بود که شامل بخش‌های دیگر نیز می‌شود. نفس عمل احتکار سیمان در یک مقطع کوتاه مدت مصداق اخلال در نظام اقتصادی کشور است. در چنین شرایطی تیم قوه قضائیه و مجلس هیچ واکنشی نسبت به این فساد که زندگی مردم و برنامه‌های دولت را تحت تأثیر قرار داده نشان نمی‌دهند. در نتیجه این شائبه در بین مردم شکل می‌گیرد که کسانی که دست به چنین کاری می‌زنند به شکل‌های مختلف نفوذ دارند و یا اینکه با قدرت در ارتباط هستند. اگر آقای رئیسی قصد دارد به وعده‌هایی که به مردم داده عمل کند باید با یک عزم جدی موانعی که در مقابل تولید و ایجاد اشتغال وجود دارد، برطرف شود. به رغم اینکه اعتراض‌هایی در زمینه تولید وجود دارد، اما برخی قصد دارند موضوع سیمان را وارد بازار بورس کنند به نظر می‌رسد قیمت سیمان در آینده افزایش پیدا می‌کند و هنگامی که چنین اتفاقی رخ بدهد این احتمال وجود دارد که قیمت همه مصالح ساختمانی افزایش پیدا کند. مافیاهای کلان قدرت و ثروت که در کشور وجود دارند یکی از موانع اصلی تحقق وعده‌های اقتصادی دولت هستند. این مسائل اتفاقی نیست و بلکه با برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد. این در حالی است که از طرف نهادهای ذیربط هیچ واکنشی به موقعی صورت نمی‌گیرد. نکته دیگر اینکه نهادهای خاص نباید وارد اقتصاد شوند. هنگامی که این‌ها وارد اقتصاد می‌شوند عوامل نفوذی اقداماتی را ترغیب می‌کنند که سبب اعتراضات عمومی شود. آقای رئیسی از اراده و علاقه‌مندی لازم برخوردار است. اما واقعیت این است که این اراده به تنهایی کافی نیست. دولت نیازمند اختیارات لازم برای شرایط ویژه و اضطراری کنونی است. در حالی که این اختیارات را در شرایط کنونی در حد مطلوب ندارد.

> در عزم آقای رئیسی تردید ندارم و معتقدم ایشان واقعاً به دنبال این است که تغییراتی را ایجاد کند. با این وجود مافیاهای ریشه قدرت به اندازه‌ای ریشه پیدا کرده و گسترده شده‌اند که منویات خود را تا بالاترین سطوح تصمیم‌گیری نفوذ و اجازه نمی‌دهند عوامل مانع پیگیری اهداف آنها شود

هنوز استراتژی اقتصادی دولت رئیسی مشخص نشده و در این زمینه شفاف سازی صورت نگرفته است. با این رئیسی سخت خواهد کرد؟

آقای روحانی اعتراضی به این وضعیت نداشت و گاهی اوقات از آنها دفاع نیز می‌کرد. این در حالی است که دولت جدید حداقل در شعار به دنبال تغییر این وضعیت است. در عزم آقای رئیسی تردید ندارم و معتقدم ایشان واقعاً به دنبال این است که این تغییرات را ایجاد کند. با این وجود مافیاهای قدرت به اندازه‌ای ریشه پیدا کرده و گسترده شده‌اند که منویات خود را تا بالاترین سطوح تصمیم گیری در کشور می‌رسانند و اجازه نمی‌دهند عواملی مانع پیگیری اهداف آنها شود. در بسیاری از موارد این مافیاهای قدرت و ثروت به بالاترین مقام‌های کشور دسترسی دارند. آقای رئیسی منزه از این جریانات است. با این وجود برنامه روشن و شفافی برای مقابله با این افراد ندارند. واقعیت این است که مافیای قدرت و ثروت در کشور در مسیر دولت سنگ اندازی خواهند کرد و مانع از اصلاحات خواهند شد. بحران‌های که امروز در حوزه اقتصاد کلان یعنی بی‌ثبات سازی اقتصادی مواجه هستیم به بی‌ثباتی‌های اجتماعی و سیاسی منجر شده است. این یک برنامه است که از سال‌های گذشته آغاز شده و بهترین روش برای ایجاد نارضایتی در جامعه و شکل دهی اعتراضات مردم به کف خیابان هاست. این در حالی است که مسئولان کشور خوشبینانه با مسائل مواجه می‌شوند و مافیای قدرت و ثروت که بخش عمده آنها به منافع وزرا اصلاحات توجه می‌کنند و نه منافع کشور یا عوامل نفوذی همسو شده‌اند و این سیاست‌ها را ترغیب و تشویق می‌کنند. دور تسلسلی که در افزایش قیمت‌ها به وجود آمده و برخی عنوان می‌کنند افزایش قیمت حامل‌های انرژی سبب افزایش قیمت‌ها می‌شود و به همین دلیل باید قیمت انرژی را افزایش بدهیم. این در حالی است که هنگامی که قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند روی قیمت همه کالاها تاثیر می‌گذارد و تورم بیشتر می‌شود. این سیکلی است که سه دهه است در کشور تکرار شده و در همه دولت‌ها نیز وجود داشته است. واقعیت این است که در دوران برزخی انتقال دولت، شاهد تحولات عجیبی در قیمت‌ها هستیم.

آرمان ملی- تردس جای امیدواری است اما می‌خواهم تاکید کنم که برای این امر مهم تنها به نظر خواهی اینترنتی و مکاتبه‌ای اکتفا نکنند، بلکه اگر حقیقتا به دنبال چنین اقداماتی هستند، حتماً از حقوقدانان نوآندیش و صاحب‌نظران مسائل زنان در دولت‌ها و مجالس قبلی مخصوصاً زنانی که بیش از ۴۰ سال است در این حوزه کار می‌کنند نظر بخواهند تا در نهایت نتیجه‌گیری کنند که چه اقداماتی لازم است، چه قوانینی را باید اصلاح کنند و با توجه به مسائل و مشکلات روز چه رویکردی را اتخاذ کنند که به نفع جامعه باشد و جامعه را در مسیر توسعه پیش ببرد.

گفته شد مسائل زنان فراجناحی است، اما همواره این امور رنگ و بوی جناحی به خود گرفته است چراکه چرا تعلق راست در هر دو دوره حضور، بیشتر دغدغه و مسائل معیشتی و اقتصادی را مطرح کرده است و مخصوصا در اقدامات عملی کمتر به آزادی‌های اجتماعی و دغدغه‌هایی از این دست پرداخته است. آیا آنچه در دوره اعتدال و اصلاحات انجام نشده در دوره اصولگرایان انجام خواهد شد؟

بنابر ماهیت مسائل زنان، می‌توان گفت که این مسائل فراجناحی است، یعنی حقوق زنان در جامعه، خانواده و اینکه به طور مضاعف تبعیض بر آنها اعمال شده و می‌شود را تباطی به جناح‌های مختلف ندارند. اما یک عده از این مطالبات قانونی زنان استفاده سیاسی به معنای غلط از کلمه می‌کنند. مثلا برخی افراد وقتی قرار است رای مردم را جلب کنند بر حقوق زنان تاکید می‌کنند و ادعا دارند چندین وزیر زن در کابینه خواهند داشت. به این امر همیشه اشاره شده است و همیشه عده‌ای بر این امر صحه گذاشته‌اند اما هیچگاه کار بنیادین در این زمینه انجام نگرفته است. در این دست موارد برای هر مسأله‌ای که اقدامی صورت می‌گرفت به اتحای مختلف سنگ‌اندازی می‌شد و نمی‌گذاشتند کارها پیش روند. حالا امیدوار هستیم قوای سه‌گانه با یکدستی بتوانند در زمینه‌هایی که در چارچوب قانون اساسی مشکلی ندارند و قابل حل هستند اما عملیاتی نمی‌شوند، اقدام درستی انجام دهند و بعضی قوانین جدید، در چارچوب قانون اساسی تدوین شوند تا به رفع مشکلات موجود زنان کمک کنند. زمینه‌هایی در این خصوص میان زنان در اصلاح‌طلبان و اصولگرایان مشترک است و قبلا با مرحوم خانم بهروزی و برخی دیگر از خانم‌های اصولگرا دنبال شده است. انتظار می‌رود در این دوره با حضور اصولگرایان و همچنین مسئولان در راس که اعلام کرده‌اند به نظر نخبگان و صاحب نظران فارغ از جناح‌های سیاسی توجه می‌شود، این مسائل برطرف شوند. اخیرا هم که پس از مدتی مجددا مسئولیت کمیسیون زنان خانه احزاب ایران را پذیرفته‌ام در آن جا تمام خانم‌های فعال احزاب اعم از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان حضور دارند. ما طی سال‌هایی که در خانه احزاب حضور داشتیم به این نتیجه رسیده بودیم که با همکاری یکدیگر این مسائل را پیگیری کنیم و امیدوار هستم از طریق این خانه، زنان اصلاح‌طلب و اصولگرا که در زمینه زنان و مسائل آن همفکر هستند به پیشبرد مسائلی کمک کنند که واقعا بعد از ۴۰ سال حل نشده است. همچنین از زنان حاضر در مجلس بسیار توقع می‌رود که از نظر حقوقی نیز در این راستا فعال باشند. بسیاری از امور مربوط به دولت بوده است که در سطح دولت آقای روحانی متاسفانه تحقق پیدا نکردند. ما در این دوره حتی شاهد بودیم برجام که برگ برنده دولت بود با چه مسائلی مواجه شد و به نتیجه مطلوب و کافی نرسید، گرچه در این‌جا به دلایل آن نمی‌پردازم. البته که مردم نیز به خوبی از این دست عوامل آگاه هستند. بنابر ماهیت مساله زنان، می‌توان گفت که این مسأله‌ای فراجناحی است، یعنی حقوق زنان در جامعه، خانواده و اینکه به طور مضاعف تبعیض بر آنها اعمال شده و می‌شود را تباطی به جناح‌های مختلف ندارند. اما یک عده از این مطالبات قانونی زنان استفاده سیاسی به معنای غلط کلمه می‌کنند.

> ما در این دوره حتی شاهد بودیم برجام که برگ برنده دولت بود با چه مسائلی مواجه شد و به نتیجه مطلوب و کافی نرسید، گرچه در این‌جا به دلایل آن نمی‌پردازم. البته که مردم نیز به خوبی از این دست عوامل آگاه هستند

آقای رئیسی با شعار اینکه شرایط زندگی مردم تغییر خواهد کرد دوران ریاست جمهوری خود را آغاز کرد. این در حالی است که در شرایط کنونی مهم ترین مطالبه مردم از دولت بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی است. از سوی دیگر رئیسی به مردم وعده داده که هر سال یک میلیون مسکن خواهد ساخت. با این شعارهایی رئیسی اعضای تیم اقتصادی خود را انتخاب کرده که برخی از آنها در دولت احمدی نژاد نیز حضور داشتند. در شرایط کنونی این پرسش برای افکار عمومی وجود دارد که استراتژی تیم اقتصادی رئیسی چیست و دولت سیزدهم با چه نقشه راهی قرار است در شرایط اقتصادی مردم تغییر ایجاد کند؟ آیا دولت استراتژی در این زمینه تدوین کرده است؟ آن چیزی که مشخص است برنامه‌هایی بوده که وزرای اقتصادی دولت در جلسات رأی اعتماد در مجلس ارائه کردند که به صورت هماهنگ نبوده و هنوز مشخص نیست آیا دولت دارای یک برنامه جامع اقتصادی برای تغییر شرایط است و یا خیر. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با دکتر حسین راغفر اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. دکتر راغفر معتقد است: «مافیاهای قدرت و ثروت که در کشور وجود دارند یکی از موانع اصلی تحقق وعده‌های اقتصادی دولت هستند. این در حالی است که این مافیای قدرت و ثروت یکی از دلایل اصلی بحران‌های اقتصادی موجود نیز هستند. مقابله با مافیای قدرت و ثروت نیز نیازمند یک عزم جدی است که تنها مختص به قوه مجریه نیست و سایر نهادهای حاکمیتی از جمله قوه قضائیه و قوه مقننه باید در این زمینه فعالیت کنند. این در حالی است که نشانه‌هایی در این زمینه مشاهده نمی‌شود و تنها شعار داده می‌شود». در ادامه ما حصل این گفت و گو را می‌خوانید.

وجود از انتخاب اعضای تیم اقتصادی و سیاست خارجی دولت می‌توان گمانه‌زنی‌هایی را مطرح کرد. این نوع چینش تیم اقتصادی و سیاست خارجی خواهد بود؟ آیا اصلاً استراتژی در این زمینه وجود دارد؟

آقای رئیسی از تغییر در شرایط زندگی مردم سخن می‌گویند. این در حالی است که در شرایط کنونی مطالبات اصلی مردم از دولت سیزدهم اقتصادی و معیشتی است. تغییر شرایط زندگی اقتصادی مردم از چه راهی امکان پذیر است و دولت باید از چه استراتژی استفاده کند؟

بخش قابل توجهی از وعده‌های اقتصادی که رئیس جمهور داده‌اند قابل تحقق است با این وجود تحقق وعده‌ها نیازمند برنامه روشن است که متأسفانه این برنامه وجود ندارد. این در حالی است که کارشکنی‌های گسترده‌ای علیه دولت صورت می‌گیرد تا وعده‌های آقای رئیسی محقق نشود. به عنوان مثال حدود پانزده نفر در دوران برزخی اختلاف دولت، کل سیمان کشور را خریداری می‌کنند و قیمت سیمان را به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش می‌دهند. این در حالی است که رئیس جمهور وعده ساختن یک میلیون مسکن در سال داده است. در نتیجه افزایش قیمت سیمان به معنای افزایش قیمت مصالح ساختمانی خواهد بود که شامل بخش‌های دیگر نیز می‌شود. نفس عمل احتکار سیمان در یک مقطع کوتاه مدت مصداق اخلال در نظام اقتصادی کشور است. در چنین شرایطی تیم قوه قضائیه و مجلس هیچ واکنشی نسبت به این فساد که زندگی مردم و برنامه‌های دولت را تحت تأثیر قرار داده نشان نمی‌دهند. در نتیجه این شائبه در بین مردم شکل می‌گیرد که کسانی که دست به چنین کاری می‌زنند به شکل‌های مختلف نفوذ دارند و یا اینکه با قدرت در ارتباط هستند. اگر آقای رئیسی قصد دارد به وعده‌هایی که به مردم داده عمل کند باید با یک عزم جدی موانعی که در مقابل تولید و ایجاد اشتغال وجود دارد، برطرف شود. به رغم اینکه اعتراض‌هایی در زمینه تولید وجود دارد، اما برخی قصد دارند موضوع سیمان را وارد بازار بورس کنند به نظر می‌رسد قیمت سیمان در آینده افزایش پیدا می‌کند و هنگامی که چنین اتفاقی رخ بدهد این احتمال وجود دارد که قیمت همه مصالح ساختمانی افزایش پیدا کند. مافیاهای کلان قدرت و ثروت که در کشور وجود دارند یکی از موانع اصلی تحقق وعده‌های اقتصادی دولت هستند. این مسائل اتفاقی نیست و بلکه با برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد. این در حالی است که از طرف نهادهای ذیربط هیچ واکنشی به موقعی صورت نمی‌گیرد. نکته دیگر اینکه نهادهای خاص نباید وارد اقتصاد شوند. هنگامی که این‌ها وارد اقتصاد می‌شوند عوامل نفوذی اقداماتی را ترغیب می‌کنند که سبب اعتراضات عمومی شود. آقای رئیسی از اراده و علاقه‌مندی لازم برخوردار است. اما واقعیت این است که این اراده به تنهایی کافی نیست. دولت نیازمند اختیارات لازم برای شرایط ویژه و اضطراری کنونی است. در حالی که این اختیارات را در شرایط کنونی در حد مطلوب ندارد.

> به عنوان افرادی که ۴۰ سال است در این حوزه در حال فعالیت هستیم، با حضور در مجلس و یا بعضا در کابینه، از خانم‌ها دکتر ابتکار و دکتر جنیدی به این دلیل تقدیر کرده‌ایم که هر یک در حد و موقعیت خود شان اقدامات لازم در ارتباط با مسائل زنان را به خوبی انجام داده‌اند

هنوز استراتژی اقتصادی دولت رئیسی مشخص نشده و در این زمینه شفاف سازی صورت نگرفته است. با این رئیسی سخت خواهد کرد؟

آقای روحانی اعتراضی به این وضعیت نداشت و گاهی اوقات از آنها دفاع نیز می‌کرد. این در حالی است که دولت جدید حداقل در شعار به دنبال تغییر این وضعیت است. در عزم آقای رئیسی تردید ندارم و معتقدم ایشان واقعاً به دنبال این است که این تغییرات را ایجاد کند. با این وجود مافیاهای قدرت به اندازه‌ای ریشه پیدا کرده و گسترده شده‌اند که منویات خود را تا بالاترین سطوح تصمیم گیری در کشور می‌رسانند و اجازه نمی‌دهند عواملی مانع پیگیری اهداف آنها شود. در بسیاری از موارد این مافیاهای قدرت و ثروت به بالاترین مقام‌های کشور دسترسی دارند. آقای رئیسی منزه از این جریانات است. با این وجود برنامه روشن و شفافی برای مقابله با این افراد ندارند. واقعیت این است که مافیای قدرت و ثروت در کشور در مسیر دولت سنگ اندازی خواهند کرد و مانع از اصلاحات خواهند شد. بحران‌های که امروز در حوزه اقتصاد کلان یعنی بی‌ثبات سازی اقتصادی مواجه هستیم به بی‌ثباتی‌های اجتماعی و سیاسی منجر شده است. این یک برنامه است که از سال‌های گذشته آغاز شده و بهترین روش برای ایجاد نارضایتی در جامعه و شکل دهی اعتراضات مردم به کف خیابان هاست. این در حالی است که مسئولان کشور خوشبینانه با مسائل مواجه می‌شوند و مافیای قدرت و ثروت که بخش عمده آنها به منافع وزرا اصلاحات توجه می‌کنند و نه منافع کشور یا عوامل نفوذی همسو شده‌اند و این سیاست‌ها را ترغیب و تشویق می‌کنند. دور تسلسلی که در افزایش قیمت‌ها به وجود آمده و برخی عنوان می‌کنند افزایش قیمت حامل‌های انرژی سبب افزایش قیمت‌ها می‌شود و به همین دلیل باید قیمت انرژی را افزایش بدهیم. این در حالی است که هنگامی که قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند روی قیمت همه کالاها تاثیر می‌گذارد و تورم بیشتر می‌شود. این سیکلی است که سه دهه است در کشور تکرار شده و در همه دولت‌ها نیز وجود داشته است. واقعیت این است که در دوران برزخی انتقال دولت، شاهد تحولات عجیبی در قیمت‌ها هستیم.

آرمان ملی- تردس جای امیدواری است اما می‌خواهم تاکید کنم که برای این امر مهم تنها به نظر خواهی اینترنتی و مکاتبه‌ای اکتفا نکنند، بلکه اگر حقیقتا به دنبال چنین اقداماتی هستند، حتماً از حقوقدانان نوآندیش و صاحب‌نظران مسائل زنان در دولت‌ها و مجالس قبلی مخصوصاً زنانی که بیش از ۴۰ سال است در این حوزه کار می‌کنند نظر بخواهند تا در نهایت نتیجه‌گیری کنند که چه اقداماتی لازم است، چه قوانینی را باید اصلاح کنند و با توجه به مسائل و مشکلات روز چه رویکردی را اتخاذ کنند که به نفع جامعه باشد و جامعه را در مسیر توسعه پیش ببرد.

گفته شد مسائل زنان فراجناحی است، اما همواره این امور رنگ و بوی جناحی به خود گرفته است چراکه چرا تعلق راست در هر دو دوره حضور، بیشتر دغدغه و مسائل معیشتی و اقتصادی را مطرح کرده است و مخصوصا در اقدامات عملی کمتر به آزادی‌های اجتماعی و دغدغه‌هایی از این دست پرداخته است. آیا آنچه در دوره اعتدال و اصلاحات انجام نشده در دوره اصولگرایان انجام خواهد شد؟

بنابر ماهیت مسائل زنان، می‌توان گفت که این مسأله‌ای فراجناحی است، یعنی حقوق زنان در جامعه، خانواده و اینکه به طور مضاعف تبعیض بر آنها اعمال شده و می‌شود را تباطی به جناح‌های مختلف ندارند. اما یک عده از این مطالبات قانونی زنان استفاده سیاسی به معنای غلط کلمه می‌کنند. مثلا برخی افراد وقتی قرار است رای مردم را جلب کنند بر حقوق زنان تاکید می‌کنند و ادعا دارند چندین وزیر زن در کابینه خواهند داشت. به این امر همیشه اشاره شده است و همیشه عده‌ای بر این امر صحه گذاشته‌اند اما هیچگاه کار بنیادین در این زمینه انجام نگرفته است. در این دست موارد برای هر مسأله‌ای که اقدامی صورت می‌گرفت به اتحای مختلف سنگ‌اندازی می‌شد و نمی‌گذاشتند کارها پیش روند. حالا امیدوار هستیم قوای سه‌گانه با یکدستی بتوانند در زمینه‌هایی که در چارچوب قانون اساسی مشکلی ندارند و قابل حل هستند اما عملیاتی نمی‌شوند، اقدام درستی انجام دهند و بعضی قوانین جدید، در چارچوب قانون اساسی تدوین شوند تا به رفع مشکلات موجود زنان کمک کنند. زمینه‌هایی در این خصوص میان زنان در اصلاح‌طلبان و اصولگرایان مشترک است و قبلا با مرحوم خانم بهروزی و برخی دیگر از خانم‌های اصولگرا دنبال شده است. انتظار می‌رود در این دوره با حضور اصولگرایان و همچنین مسئولان در راس که اعلام کرده‌اند به نظر نخبگان و صاحب نظران فارغ از جناح‌های سیاسی توجه می‌شود، این مسائل برطرف شوند. اخیرا هم که پس از مدتی مجددا مسئولیت کمیسیون زنان خانه احزاب ایران را پذیرفته‌ام در آن جا تمام خانم‌های فعال احزاب اعم از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان حضور دارند. ما طی سال‌هایی که در خانه احزاب حضور داشتیم به این نتیجه رسیده بودیم که با همکاری یکدیگر این مسائل را پیگیری کنیم و امیدوار هستم از طریق این خانه، زنان اصلاح‌طلب و اصولگرا که در زمینه زنان و مسائل آن همفکر هستند به پیشبرد مسائلی کمک کنند که واقعا بعد از ۴۰ سال حل نشده است. همچنین از زنان حاضر در مجلس بسیار توقع می‌رود که از نظر حقوقی نیز در این راستا فعال باشند. بسیاری از امور مربوط به دولت بوده است که در سطح دولت آقای روحانی متاسفانه تحقق پیدا نکردند. ما در این دوره حتی شاهد بودیم برجام که برگ برنده دولت بود با چه مسائلی مواجه شد و به نتیجه مطلوب و کافی نرسید، گرچه در این‌جا به دلایل آن نمی‌پردازم. البته که مردم نیز به خوبی از این دست عوامل آگاه هستند. بنابر ماهیت مساله زنان، می‌توان گفت که این مسأله‌ای فراجناحی است، یعنی حقوق زنان در جامعه، خانواده و اینکه به طور مضاعف تبعیض بر آنها اعمال شده و می‌شود را تباطی به جناح‌های مختلف ندارند. اما یک عده از این مطالبات قانونی زنان استفاده سیاسی به معنای غلط کلمه می‌کنند.

> ما در این دوره حتی شاهد بودیم برجام که برگ برنده دولت بود با چه مسائلی مواجه شد و به نتیجه مطلوب و کافی نرسید، گرچه در این‌جا به دلایل آن نمی‌پردازم. البته که مردم نیز به خوبی از این دست عوامل آگاه هستند

فاطمه راکعی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

حقوق زنان در حد قوانین موجود هم عمل نمی‌شود

- برخی به خود حق می‌دهند زنان را محدود کنند
- مسائل مشترک میان زنان اصلاح‌طلب و اصولگرا باید پیش برده شوند
- عملیاتی نشدن تلاش‌ها، مربوط به جن